

فهرست مطالب

۹	مقدمه‌ی مؤلف.....
۱۱	فصل اول: موسیقی در ایران پیش از اسلام (ایران باستان).....
۱۱	به راستی هنر چیست؟.....
۱۳	موسیقی چیست؟.....
۱۶	تقسیم‌بندی تاریخ موسیقی ایران.....
۱۷	موسیقی در عصر باستان.....
۱۷	پیشدادیان.....
۱۸	کیانیان.....
۲۰	مادها.....
۲۰	هخامنشیان.....
۲۰	موسیقی بزمی یا درباری.....
۲۱	موسیقی مذهبی و مردمی.....
۲۱	موسیقی رزمی یا نظامی.....
۲۲	سلوکیان.....
۲۳	اشکانیان.....
۲۵	ساسانیان.....
۴۳	فصل دوم: موسیقی در ایران پس از اسلام تا پیش از عصر صفوی.....
۴۳	وضعیت موسیقی ایران پیش از ورود اسلام.....
۴۴	موسیقی در ایران بعد از اسلام.....
۴۴	ابن مسیح.....

- ۴۷ دوران خلفای راشدین
- ۴۷ عصر امویان
- ۴۸ نشیط فارسی
- ۴۹ سائب خاثر
- ۴۹ مسلم بن محرز
- ۵۰ عصر عباسیان
- ۵۱ ابراهیم موصلی
- ۵۲ اسحاق موصلی
- ۵۳ منصور زلزل
- ۵۳ زریاب
- ۵۴ طاهریان
- ۵۵ سامانیان
- ۵۵ ابوبکر بن محمد بن زکریای رازی
- ۵۵ ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خردادبه
- ۵۵ فارابی
- ۵۶ ابوالفرج اصفهانی
- ۵۶ ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف خوارزمی
- ۵۶ الکندی
- ۵۶ غزنویان
- ۵۷ ابن سینا
- ۵۷ ابن زیله
- ۵۸ سلجوقیان
- ۵۸ مغول
- ۵۹ خواجه نصیر الدین طوسی

۵۹	صفی الدین ارموی
۶۰	قطب الدین شیرازی
۶۱	تیموریان
۶۱	عبدالقادر مراغه‌ای
۶۲	بنایی
۶۲	جامی
۶۳	فصل سوم: موسیقی از دیدگاه اسلام
۶۳	درآمدی بر فصل سوم
۶۴	زیبایی از منظر اسلام
۶۷	موسیقی در اسلام
۶۹	رسالت مذهب و هنر
۷۲	نظر برخی از فقها در مورد موسیقی
۷۳	غنا چیست؟
۷۷	به راستی معنی لهو چیست؟
۷۸	حکم لهو در اسلام
۷۹	مطرب کیست؟
۸۰	علت اصلی حرمت موسیقی
۸۳	نقش زمان و مکان در احکام اسلامی
۸۸	نتیجه‌گیری
۹۱	منابع و مأخذ

مقدمه‌ی مؤلف

از روز ازل میل به زیبایی و زیبادوستی در فطرت آدمی گنجانده شد تا بشر همواره در جست‌وجوی رسیدن به آن باشد.

در وصف زیبایی تعاریف گسترده‌ای از سوی محققان، فیلسوفان، ادیبان و زیباشناسان صورت گرفته است که هر کدام در قالب فلسفه‌ای جداگانه نیاز به بررسی دارد و در مجال این مجموعه و حتی اندیشه‌ی حقیر نمی‌گنجد؛ تنها ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که هدف از میل انسان به زیبایی میل رسیدن به آرامش است.

یکی از این زیبایی‌ها موسیقی است که در کنار بشر عمری به درازای تاریخ دارد. همه‌ی ادیان اعم از الهی و غیرالهی از تأثیر موسیقی در جامعه و روان بشر آگاه بودند و همواره می‌کوشیدند تا از آن به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهدافشان استفاده کنند. گاهی متولیان هنر تن به این خواسته می‌دادند و گاهی هم با موسیقی علیه دین یا حکومتی به مبارزه می‌پرداختند، حال بگذریم که حق با کدام بوده است؛ اما هر دینی موسیقی و حتی هنر را بر اساس چهارچوب رسالت خود در جامعه تعریف کرده است. گاهی هنر در خدمت کلیسا بوده، گاهی مانند یونان باستان در خدمت خود انسان بوده که با رسالت دوره‌ی رنسانس همخوانی داشته است، یعنی انسان‌گرا بوده و گاهی هم مانند دوره‌ی جاهلیت این هنر والا در جهت وقت‌گذرانی‌های بیهوده به کار می‌رفته است و با ظهور اسلام که هدفش مانند سایر ادیان الهی نجات انسان از گرداب جاهلیت بود این هنر در پرده‌ای از ابهام میان حلال و حرام قرار گرفت.

چون مقدمه پیش‌زمینه‌ی یک مبحث برشمرده می‌شود و باید کوتاه باشد

به این نکته بسنده می‌کنم.

فصل اول: موسیقی در ایران پیش از اسلام (ایران باستان)

به راستی هنر چیست؟

باعث سعادت و تکامل بشر است یا که سبب غرق شدن او در دنیایی
ماورای تصور است؟

هنر بیماری است یا درمان است؟

نیچه می‌گوید: هنر، گل زندگی است و هنرمند دوست واقعی بشر است
که این گل خوشبو را به او هدیه می‌کند.

به عقیده‌ی باتو، زیاشناس فرانسوی: هنر، تقلید زیبایی طبیعت است و
هدفش لذت است.

«هنر، کوششی است برای آفرینش صور لذت‌بخش؛ این صور، حس
زیبایی ما را ارضا می‌کند. هنر فعالیت است انسانی شامل این که یک فرد
به طور آگاهانه و به وسیله‌ی بعضی نشانه‌های خارجی احساساتی را که در
زندگی داشته است به دیگران منتقل کند، به طوری که دیگران نیز از آن
احساسات متأثر شوند و آن‌ها را تجربه کنند.»^۱

در نظر ارسطو هنر عبارت است از: توانایی ایجاد اثر.

ارسطو در بحث مفاهیم عالی هنر، ویژگی‌هایی را ذکر کرده که به بیان
بعضی از آن‌ها می‌پردازیم:

هنر وجهی از دانش است که به جانب آفرینش سیر می‌کند.

^۱. هربرت رید: معنی هنر، ترجمه‌ی نجف دریابندری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی،

هنر مستلزم به کارگیری معیارها و رهنمودهای ویژه است.

«اثر هنری را باید در مقابل طبیعت نهاد.»^۱

به قول تولستوی: «هنر، فعالیتی است که زیبایی را نمودار می‌سازد.»^۲

«بنابراین شکوفایی ودیعه‌ی الهی، هنر، در نهاد انسان و حرکت آن در مسیر راستین و به صورت معقول، بشر را از جایگاه ابتدایی و پایین تا منزلگاه رفیع و ملکوتی بالا می‌برد و میان خالق و مخلوق و عاشق و معشوق ارتباط و استحکام ظریف و عاشقانه برقرار می‌کند و بر رسالت آن تداوم و تکالیف عارفانه می‌بخشد، زیرا توجه به رابطه و وابستگی روح و وجدان آدمی با عالمی وسیع‌تر از طبیعت چیزی نیست که با محدودیت قلمرو حواس مخالفتی داشته باشد.»^۳

بنابراین رسالت هنر، هدایت انسان به سوی تکامل و سعادت دنیوی و اخروی است، و هنر، فانوس هدایتی است که در کورراه‌های تاریخ، بشر را به سوی روشنی دعوت کرده است؛ این همان هنر متعالی است که هدفی جز سوق انسان به سمت زیبایی‌شناسی مادی و معنوی دنیوی و اخروی ندارد، و اگر هنری از این رسالت سر باز زند از مسیر تعالی خود خارج شده است و باید تعریف دیگری را به آن اختصاص داد.

اما می‌توان گفت پرذوق‌ترین هنرها، موسیقی است؟ اگر دقت کنیم می‌بینیم که در بین مردم از محبوبیت بیش‌تری برخوردار است، شاید در هر خانه‌ای یک اثر نقاشی یا خطاطی یا مجسمه‌سازی یا... نباشد اما به ندرت

۱. جعفری تبریزی، محمد تقی؛ هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام، موسسه‌ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۸۱، صص ۱۵-۱۱۴.

۲. تولستوی، لئون؛ هنر چیست؟ ترجمه‌ی کاوه دهگان، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۷.

۳. حافظ‌زاده، محمد؛ تاریخ هنر و موسیقی از غارها تا تالارها، انتشارات عمیدی، تبریز، ۱۳۸۱، ص ۲۲.

می‌توانیم خانه‌ای را پیدا کنیم که در آن اثری از موسیقی نباشد و این امر حاکی از محبوبیت موسیقی در جوامع بشری است. در ادامه در مورد چیستی موسیقی سخن خواهیم گفت.

موسیقی چیست؟

در منابع معتبر و مختلف تعریف‌های جامعی در مورد موسیقی صورت گرفته است که تقریباً به هم نزدیک هستند.

ابونصر فارابی معروف به معلم ثانی، می‌گوید: «موسیقی، علم شناسایی الحان است و شامل دو علم موسیقی عملی و موسیقی نظری می‌شود.»^۱ ابوعلی سینا نیز در تعریف موسیقی می‌گوید: «موسیقی، علمی است ریاضی که در آن از چگونگی نغمه‌ها از نظر ملایمت و تنافر و چگونگی زمان‌های بین نغمه بحث می‌شود تا معلوم شود که لحن را چگونه باید تألیف کرد.»^۲

افلاطون در تعریف موسیقی می‌گوید: موسیقی، یک ناموس اخلاقی است که روح به جهانیان و بال به تفکر و جهش به تصور و ربایش به غم و شادی و حیات به همه چیز می‌بخشد. جوهر نظمی است که خود برقرار می‌کند و تعالی آن به سوی هر چیزی است که نیک و درست و زیباست و با این که نامرئی است شکلی است خیره‌کننده، هوس‌انگیز و جاویدان.

بتهوون در این باره می‌گوید: موسیقی، مظه‌ری است عالی‌تر از هر علم و فلسفه‌ای، اگر بخواهیم تعریف دیگری از موسیقی کنیم که دور از تعصب و عشق و شیفتگی باشد، یعنی خلاصه‌ی جنبه‌ی نظری صرف داشته باشد، باید بگوییم: «موسیقی، صعود اصوات است از سکوت مطلق به سوی

۱. فارابی، ابونصر، محمد بن محمد: احصاء العلوم، ترجمه‌ی حسین خدیو جم، آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۶۴، ص ۸۶.

۲. جوادی، غلامرضا: تاریخ موسیقی ایران از آغاز تا امروز، انتشارات همشهری، تهران ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵.